۸۹- بعد از نـماز شب

إِلٰهِی وَسَیِّدِی هَدَأَتِ الْعُیُونُ، وَغَارَتِ النُّجُومُ، وَسَکَنَتِ الْحَرَکَاتُ مِنَ الطَّیْرِ فِی الْوُکُورِ وَالْحِیتَانِ فِی الْبُحُورِ، وَأَنْتَ الْعَدْلُ الَّذِی لاٰیَجُورُ، وَالْقِسْطُ الَّذِی لاٰیَمِیلُ، وَالدّٰائِمُ الَّذِی لاٰیَزُولُ، أَغْلَقَتِ الْمُلُوکُ أَبْوَابَهَا، وَدَارَتْ عَلَیْهَا حُرّٰاسُهَا، وَبَابُکَ مَفْتُوحٌ لِمَنْ دَعَاکَ یٰا سَیِّدِی، وَخَلاٰ کُلُّ حَبِیبٍ بِحَبِیبِهِ، وَأَنْتَ الْمَحْبُوبُ إِلَیَّ.

خدای من و سـرورم، چشم‌ها آرام گرفتند و ستارگان غروب نـمودند و حرکات آرام شدند و از پرندگان در آشیانه‌ها و ماهی‌ها در دریاها، و تو آن دادگری هستی که ستم نـمی‌کند و عدالت‌پیشه‌ای که از حق دور نـمی‌شود و پاینده‌ای که نیست نـمی‌گردد، بستند پادشاهان درهای‌شان را و گشتند دور از نگهبانان‌شان، در حالی که درِ تو باز است برای کسی که تو را فراخواند ای سـرورم، و هر محبوبی با محبوبش به خلوت نشست و تو محبوب نزد من هستی.

إِلٰهِی إِنِّی وَإِنْ کُنْتُ عَصَیْتُکَ فِی أَشْیَاءَ أَمَرْتَنِی بِهٰا، وَأَشْیَاءَ نَهَیْتَنِی عَنْهٰا، فَقَدْ أَطَعْتُکَ فِی أَحَبِّ الْأَشْیَاءِ إِلَیْکَ، آمَنْتُ بِکَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ وَحْدَکَ لاٰشَرِیکَ لَکَ، مَنُّکَ عَلَیَّ لاٰمَنّٰی عَلَیْکَ.

خدای من، من اگر چه تو را نافرمانی کردم در چیزهایی که مرا به آنها فرمان دادی، و چیزهایی که مرا بازداشته‌ای از آنها، ولی تو را اطاعت نـموده‌ام در محبوب‌ترین چیزها نزد تو، به تو ایمان آوردم، که نیست خدایی جز تو، تنهایی، که تو را شـریکی نباشد، و آن منتی است از تو بر من نه از من بر تو.

إِلٰهِی عَصَیْتُکَ فِی أَشْیَاءَ أَمَرْتَنِی بِهٰا، وَأَشْیَاءَ نَهَیْتَنِی عَنْهَا، لاٰحَدَّ مُکَابَرَةٍ وَلاٰ مُعَانَدَةٍ، وَلَا اسْتِکْبَارٍ وَلاٰ جُحُودٍ لَرُبُوبِیَّتِکَ، وَلٰکِنِ اسْتَفَزَّنِی الشَّیْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ وَالْمَعْرِفَةِ وَالْبَیَانِ، لاٰعُذْرَ لِی فَأَعْتَذِرَ، فَإِنْ عَذَّبْتَنِی فَبِذُنُوبِی وَبِـمٰا أَنَا أَهْلُهُ، وَإِنْ غَفَرْتَ لِی فَبِـرَحْمَتِکَ وَبِـمٰا أَنْتَ أَهْلُهُ، أَنْتَ أَهْلُ التَّقْوىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَا مِنْ أَهْلِ الذُّنُوبِ وَالْخَطَایَا، فَاغْفِرْ لِی، فَإِنَّهُ لاٰیَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاّٰ أَنْتَ، یٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِینَ.

خدای من، تو را نافرمانی کردم در چیزهایی که مرا به آنها فرمان دادی، و چیزهایی که مرا از آنها باز داشتی، نه از روی بزرگی جویی و یا مخالفت، و نه برتری طلبی و نه انکاری بر پروردگاری‌ات، ولی شیطان غیر مطمئـن ساخت مرا بعد از حجت و شناخت و بیان، مرا عذری نیست که عذرخواهی کنم، پس اگر مرا عذاب دهی به گناهانم باشد و به آنچه خود شایسته آنم، و اگر مرا ببخشی به رحمتت باشد و به آنچه تو شایسته آن هستی، تو اهل تقوی و اهل آمرزش هستی، و من اهل گناهان و خطاها هستم، پس مرا ببخش، که گناهان را کسی جز تو نـمی‌بخشد، ای مهربان‌ترین مهربانان و صلوات خداوند بر محمد و همهٔ خاندانش باد.